

تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی (نمونه: بخش سیمکان - شهرستان جهرم)

علی‌اکبر عنابستانی^۱: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
مجتبی روستا: دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
سید عبدالرضا محمدی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مدرس دانشگاه پیام نور، جهرم، ایران
سجاد رفیعیان: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مدرس دانشگاه پیام نور، جهرم، ایران

چکیده

نیل به جامعه بالنده و برخوردار از توسعه اجتماعی پایدار در گرو داشتن جامعه‌ای است که کیفیت زندگی آن در مقیاس فردی و جامعه‌ای وضعیت مطلوب و قابل قبولی قرار داشته باشد. بی‌گمان این مهم هرگز بدون شناخت و تحلیل دقیق، انتقادی و عالمانه از جامعه محقق نخواهد شد. هدف از تحقیق حاضر، تحلیل فضایی کیفیت زندگی در نواحی روستایی بخش سیمکان شهرستان جهرم، عوامل مؤثر بر آن و میزان رضایت‌مندی روستاییان از کیفیت زندگی است. تحقیق حاضر بر مبنای هدف از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از روش‌های اسنادی و میدانی بهره گرفته شده است. در همین راستا پرسشنامه‌ای در قالب ۴ شاخص بر اساس طیف لیکرت تنظیم و به صورت تصادفی بین روستاییان توزیع گردید. جامعه آماری پژوهش ۱۷۲۷۶ نفر می‌باشد؛ که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۷۵ نفر انتخاب شد. تجزیه و تحلیل پرسشنامه با استفاده از روش آمار توصیفی، آزمون تی و رگرسیون چندمتغیره انجام گردیده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین ابعاد چهارگانه (زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی) و کیفیت زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش کیفیت ابعاد چهارگانه، کیفیت زندگی در روستاهای مورد مطالعه افزایش می‌یابد. بعلاوه، مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها، ۰/۹۷۴ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. متغیرهای ابعاد کالبدی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۵۱ و ابعاد زیست محیطی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۱۷ بیشترین تأثیر را روی متغیر کیفیت زندگی دارند و متغیرهای ابعاد اقتصادی و ابعاد اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۴۱ و ۰/۲۵۷ در رتبه بعدی قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، نواحی روستایی، بخش سیمکان، جهرم.

^۱ نویسنده مسئول: anabestani@um.ac.ir، ۰۹۱۵۵۷۱۹۰۱۶

بیان مسأله:

انسان‌ها از همان ابتدای پیدایش جوامع و مجتمع‌های زیستی اولیه در پاسخ به یکی از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی و فطری خویش سعی کرده‌اند محیط و دنیای ساخته شده خود را تحت کنترل درآورند. این کنترل، خود را به صورت نظم، الگو و تشکیل محیط انسان‌ساخت منعکس نموده است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). در برخی از منابع، کیفیت زندگی با امکانات مادی و معنوی شامل سلامتی، محیط زندگی، قوانین، تساوی حقوق، اشتغال و خانواده و مانند اینها بیان می‌شود (Van kamp et al, 2003: 7). حیطة مربوط به کیفیت زندگی و سنجش آن شاید در هیچ زمانی به اندازه امروز وسیع نبوده است (Baldwin et al, 1992: 1). از طرفی، بهبود کیفیت زندگی می‌تواند زمینه‌های دیگر توسعه مانند توسعه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و خدماتی را به همراه داشته باشد (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). باید در نظر داشت که توسعه روستایی فرایندی چندبعدی است که هدف اصلی آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان روستایی است. کیفیت زندگی در نواحی روستایی بستگی زیادی به عوامل گوناگون فضایی و مکانی دارد (اکبریان رونیزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۸۳). کیفیت زندگی اساساً مفهومی چند بعدی است (McGillivray, 2007: 41) که با توسعه اقتصادی-اجتماعی و بهبود و بهسازی سطوح زندگی شناخته می‌شود و ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی یک ناحیه را نشان می‌دهد، لذا می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود.

بر اساس دیدگاه پال^۱، کیفیت زندگی به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی-روانی و مادی تعریف شده و از کیفیت زندگی روستایی نیز به عنوان مفهوم چگونگی شرایط و وضعیت زندگی خانواده‌های روستایی یاد شده است (پورطاهری، ۱۳۹۰: ۱۶). هر چند که ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس‌های فردی و اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان بوده، اما در دهه‌های اخیر با اولویت یافتن هدف اجتماعی توسعه و تدوین آنها در قالب برنامه‌های توسعه، به تدریج نگرش انسانی و جامعه‌شناختی به کیفیت زندگی در نوشتارهای توسعه و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. افزون بر این، جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان به محیط‌ها و مکان‌های مطلوب و دارای کیفیت مطلوب همچون روستاهای سالم، خانه‌های سالم و زیست‌بوم‌های روستایی پرداخته‌اند. وجه مشترک این دیدگاه‌ها را می‌توان چنین بیان کرد: کیفیت زندگی به عنوان اصطلاحی کلی، مفهومی برای نشان دادن چگونگی برآورده شدن نیازهای انسانی و نیز معیاری برای ادراک رضایت یا نارضایتی افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف زندگی در سکونتگاه‌هاست (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۱).

تحقیق حاضر تلاش می‌کند چگونگی وضعیت روستاییان بخش سیمکان شهرستان جهرم را در ابعاد مختلف کیفیت زندگی (اجتماعی، کالبدی، محیطی و اقتصادی) تحلیل نماید. در این راستا، با توجه به اینکه مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه با چالش‌هایی چون بیکاری، فقر، رکود، انزوا، درآمد کم، بهره‌وری پایین، مهاجرت، فردگرایی، تضاد اجتماعی، کمبود منابع، آلودگی‌های زیست‌محیطی و نظایر اینها دست و پنجه نرم می‌کنند (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲) و سرانجام بهبود کیفیت زندگی مردم ایجاد می‌کند تا مشخص گردد که میزان تأثیر شاخص‌های (زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی) بر کیفیت زندگی در نواحی روستایی بخش سیمکان شهرستان جهرم چقدر است؟ و میزان رضایت روستاییان از کیفیت زندگی به تفکیک روستاها در کدام سطح قرار دارد؟

¹ - Pal

پیشینه تحقیق:

از لحاظ تاریخی اولین تلاش‌ها برای اندازه‌گیری رضایت از کیفیت زندگی از جنبش شاخص‌های اجتماعی نشأت گرفته است (Biderman, 1974: 27). مطالعه‌ی ادبیات کیفیت زندگی نشان می‌دهد که این مفهوم بر دو موضوع تمرکز دارد: رفاه شخصی و کیفیت زندگی شهری؛ درحالی‌که رفاه شخصی به فرد مرتبط است، کیفیت زندگی شهری به محیط مرتبط است. در اینجا به بعضی از پژوهش‌هایی که در ارتباط با موضوع تحقیق است، پرداخته می‌شود: نتایج مطالعه‌ی یوکوبابا و مارک آوستین (۱۹۸۹)، نشان داد که بهبود خصوصیات محیطی و وضعیت بهتر ساکنان واحد همسایگی موجب افزایش رضایت‌مندی بیشتر ساکنان می‌شود و این امر باعث افزایش امنیت در محله می‌گردد. همچنین تحقیق آنها نشان داد که افراد دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا، سالخوردگان و مالکان نسبت به افراد با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، جوان‌ها و مستأجران از خصوصیات کالبدی محله و واحد همسایگی‌شان رضایت‌مندی بیشتری دارند. جیمز و همکارانش (۲۰۰۳) با ارائه‌ی مدارک و داده‌هایی از غرب ویرجینیا (امریکا)، کیفیت زندگی و توسعه‌ی روستایی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. آنها در این پژوهش، تأثیر متغیرهایی همچون تحصیلات، میزان استفاده از اینترنت، رضایت از رابطه‌ی خانوادگی و همسایگی، وضعیت سلامت جسمی و روحی، و مشارکت را بررسی کرده‌اند. مارانز (۲۰۰۳) شاخص‌های عینی و ذهنی سنجش کیفیت زندگی محله‌ای را تبیین کرد.

رضوانی و منصوریان (۱۳۸۷) در پژوهشی با هدف ارائه‌ی مدلی مناسب برای سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی، متغیرهای مؤثر بر کیفیت زندگی روستایی در ایران را در سه طبقه‌ی نیازهای اولیه (مسکن، آب آشامیدنی، روشنایی، غذا و تغذیه، سوخت، شبکه‌ی دفع بهداشتی فاضلاب، و زباله)، نیازهای بهزیستی (سلامت، امنیت، استخدام، مالکیت زمین کشاورزی، مالکیت دام، مالکیت کالاهای بادوام) و نیازهای فرصت و فراغت (آموزش، اطلاعات و ارتباطات، مشارکت، آزادی، تفریح و اوقات فراغت) در نظر گرفتند. رضوانی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش دیگری ۶ متغیر درآمد خانوار، امکانات زیربنایی، تحصیلات، مشارکت، سلامت، و کیفیت محیط را به عنوان مؤثرترین مؤلفه‌ها در کیفیت زندگی در ناحیه مطالعه شده، تبیین کرده‌اند. عنبری (۱۳۸۹) به تشریح برخی زمینه‌ها و شاخص‌های کیفیت زندگی در کشور در دو دهه‌ی اخیر پرداخته است. فرهادی و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که کیفیت زندگی سالمندان روستایی شهرستان دشتی پایین‌تر از حد متوسط است؛ به طوری‌که به رسیدگی فوری نیاز دارد و مداخله جهت بهبود کیفیت زندگی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. ریاحی و پاشازاده (۱۳۹۱) معتقدند که واحدهای تولیدی شهرک صنعتی گرمی زمینه‌ساز بهبود سطح زندگی شاغلان روستایی نسبت به دوره‌ی قبل از اشتغال شده است.

فراهانی و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که بین افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی در منطقه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد. علی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که در بین روستاهای مورد مطالعه، از نظر شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی تفاوت چندانی وجود ندارد، اما در سنجش‌های مختلف سلامت محیط، سلامت اجتماعی، اقتصادی، روانی و جسمی افراد، تفاوت‌هایی در رضایت پاسخ‌دهندگان دیده می‌شود. بریمانی و بلوچی (۱۳۹۲) معتقدند که کیفیت زندگی ذهنی نیز در طیف نسبتاً نامطلوب تا نسبتاً مطلوب جای می‌گیرد. به گونه‌ای که روستای تیتراں دن کمترین درجه (نسبتاً نامطلوب) و روستای کشیک بیشترین درجه (نسبتاً مطلوب) را دارند. بارانی‌پسیان و همکاران (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که متغیرهای کیفیت زندگی، امنیت و سلامت، محیط زیرساخت‌ها و کیفیت محیطی بالاتر از حد متوسط، و متغیرهای کیفیت محیط مسکونی، کیفیت اوقات فراغت، و کیفیت اشتغال و درآمد پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند.

در این راستا پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که شاخص‌های اقتصادی، شاخص‌های زیست محیطی، شاخص‌های اجتماعی، شاخص‌های زیرساخت‌ها و تأسیسات، شاخص مسکن و سرپناه، شاخص بهداشت و سلامت و شاخص آموزش از شاخص‌های مهم کیفیت زندگی هستند. براگمن^۱ و همکاران (۲۰۰۷) و حریرچی و همکاران (۱۳۸۸) نیز کیفیت زندگی را استانداردهای زندگی مثل شغل مناسب، درآمد، مسکن، آموزش، سلامتی و بهداشت، درمان، کیفیت محیطی زندگی می‌دانند. فزون بر آن، نتایج کوستانزا (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که ترکیبی از روش‌های عینی و ذهنی برای تعیین کیفیت زندگی، می‌تواند این واژه را بهتر ترسیم نماید. به این ترتیب، کیفیت زندگی از دو مؤلفه تأمین نیازهای اساسی انسان (برآورده شدن نیازهای معیشتی، امنیت، محبت و عاطفه، مشارکت و آگاهی، گذراندن اوقات فراغت، خلاقیت، هویت و آزادی) و رفاه اجتماعی (شادکامی، سودمندی برای افراد و گروه‌ها) تشکیل شده است. بر همین اساس، حیاتی و همکاران (۲۰۰۶) و احمدوند و همکاران (۱۳۹۱) برای سنجش کیفیت زندگی مناطق روستایی از شاخص‌های، دارایی، درآمد، مشارکت اجتماعی، امنیت غذایی، پوشاک، تأمین اجتماعی، مالکیت، تعداد دام و احشام، تجهیزات زندگی، مسکن، دسترسی به اعتبارات و سطح تحصیلات استفاده نمودند.

جمع‌بندی مطالعات انجام شده پیرامون کیفیت زندگی نشان می‌دهد که شاخص‌های، ۱- آموزش؛ ۲- دارایی، ۳- درآمد؛ ۴- پوشاک؛ ۵- شاخص مسکن (بادوامی و رضایت از مسکن)؛ ۶- تأمین اجتماعی؛ ۷- سلامت و بهداشت ۸- پایگاه اجتماعی؛ ۹- امنیت غذایی؛ ۱۰- سرمایه اجتماعی؛ ۱۱- رفاه اجتماعی؛ از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی می‌باشند.

مفاهیم و مبانی نظری:

قرن‌ها است که مردم به دنبال زندگی خوب بوده‌اند و انسان‌ها پیوسته برای بهبود شرایط زیست خود، کوشیده‌اند تا از استعدادها و توانمندی‌های محیط زندگی خود، به بیشترین میزان و بهترین نحو بهره‌برداری کنند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳). کیفیت زندگی از دهه ۱۹۶۰ میلادی به یکی از موضوعات مورد علاقه حوزه علوم اجتماعی بدل شد، چرا که در این دهه مشخص گردید که رشد و توسعه اقتصادی لزوماً به بهبود زندگی مردم نمی‌انجامد (Das, 2008: 298). مطالعات علمی نشان می‌دهند که رابطه بین پیشرفت اقتصادی و کیفیت زندگی، رابطه‌ای خطی نیست. این دو، تا نقطه‌ای که حداقل شرایط مطلوب مادی برای زیست انسان فراهم شده باشد، هم سو و هم جهت حرکت می‌کنند، ولی از این نقطه به بعد دیگر نمی‌توان انتظار داشت که تأمین نیازهای اقتصادی به بهبود کیفیت زندگی کمک کند، زیرا انسان موجودی چندوجهی و پیچیده است و منطبق اقتصادی نمی‌تواند بسیاری از رفتارهای او را تبیین کند (خوارزمی، ۱۳۸۳: ۸). پژوهشگران بر این باورند که اصطلاح کیفیت زندگی نیز همانند مفهوم توسعه، تا اندازه‌ای مبهم است. (جدول شماره ۱). از یک سو کیفیت زندگی فردی به عنوان پنداشتی از چگونگی گذران زندگی فرد مطرح می‌شود، و از بعدی کلی‌تر دربرگیرنده‌ی موقعیت‌های زندگی شامل محیط پیرامونی و یا فرهنگ هر جامعه در مکان‌های مختلف و حول عاملی مشخص است (Pal, 2005: 17). ویژگی مفهوم کیفیت زندگی آن است که می‌تواند شامل تمام کیفیات (مفاهیم) جامعه‌شناختی شود. یعنی گستره بزرگی از مفاهیم جامعه‌شناختی می‌توانند در چتر کیفیت زندگی قرار بگیرند. اما وجه مهم این مفهوم آن است که معمولاً برای بررسی عملکرد و نتایج سیاست‌ها و برنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (Eschiosler et al, 1985: 129). به همین خاطر معمولاً در هر زمینه بنابر انتظارات سیاست‌گذاران و مجریان برنامه‌های اجتماعی تعریف می‌شود. برخی مؤلفان کیفیت زندگی را تنها احساس کلی خوشبختی دانسته‌اند (Milberaz, 1978: 36). کیفیت زندگی مفهومی نسبی،

¹. Bruggemann

چند وجهی و متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است. که طیف وسیعی از شاخص‌ها از تغذیه و پوشاک تا مراقبت‌های بهداشتی، محیط اجتماعی، و محیط مادی پیرامون را شامل می‌شود (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۸۹).

در زمان‌های گذشته خط‌مشی مشخصی در راستای بهبود کیفیت زندگی روستایی وجود نداشت. توسعه اقتصادی، اجتماعی مناطق روستایی بیشتر در سیطره بهبود زندگی شهری به سر می‌برد؛ دیگر مفهوم لیبرالیزم رفاه و آزادی فردی برای مناطق روستایی به دست فراموشی سپرده شده بود و دولت‌ها فشار سیاسی خود را در جهت بهبود کیفیت زندگی شهری مد نظر گرفته بودند (Walker et al, 2008: 334). کیفیت زندگی روستایی بیانگر تلاش و کوشش و رضایت مردم به بهبود شرایط زندگی، احساس امنیت و رفاه است، اما محققین بیان داشته‌اند که زندگی با کیفیت مناسب در مناطق روستایی زمانی توسعه می‌یابد که دولت‌ها بتوانند فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی تأثیرگذار را به سطح روستا کشانده و شرایط زندگی برای ساکنان روستاها را هم‌تراز با زندگی جوامع شهری درآورند این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه مردم در برنامه‌ها فراموش نشوند (Futa et al, 2010: 81). کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی نیز ناظر بر وضعیت کلی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی است که به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی- روانی و مادی جامعه روستایی در نظر گرفته می‌شود، و چگونگی شرایط و وضعیت عینی خانواده‌ها و روستاها را بیان می‌کند (Pal et al, 2005: 18). در سال‌های اخیر، تفکر برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر رویکرد پایداری در سطح سکونتگاه‌های روستایی، توجه ویژه‌ای را به خود معطوف ساخته است. در برنامه‌ریزی راهبردی، تبیین وضع موجود و اینکه مناطق روستایی کشور ما در زمان حاضر در چه وضعیتی قرار دارند، نقطه آغازین محسوب می‌شود. مناطق روستایی در زمان حاضر با مشکلات زیادی مواجه‌اند و در عین حال با انتخاب‌های متفاوتی نیز برای آینده روبه رو هستند.

جدول ۱- مجموعه‌ای از تعاریف مختلف کیفیت زندگی از دیدگاه محققین مختلف

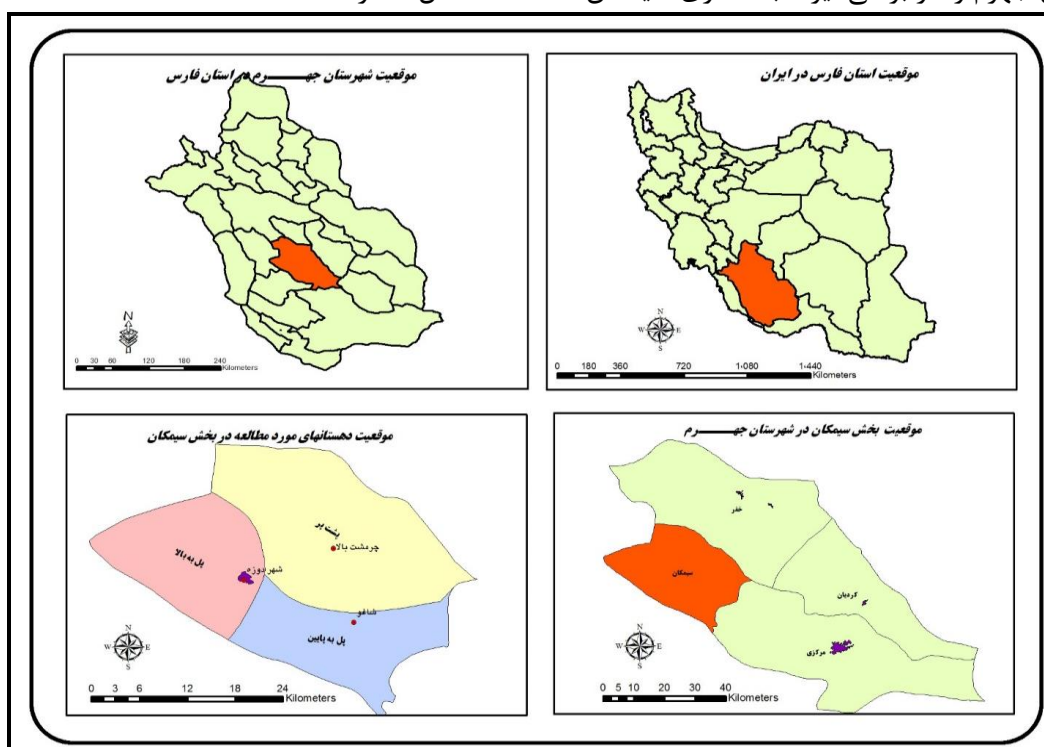
محقق	تعریف کیفیت زندگی
پال، ۲۰۰۵	کیفیت زندگی معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی- روانی و مادی افراد جامعه می‌باشد.
داس، ۲۰۰۸	کیفیت زندگی به عنوان بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها می‌باشد.
مک گرو گر ۲۰۰۴	میزان برخورداری فرد، البته نه فقط برخورداری از چیزهایی که بدست آورده بلکه از تمام گزینه‌هایی که فرصت انتخاب آن‌ها را دارد. به بیان دیگر، کیفیت زندگی به آزادی برای رسیدن و نرسیدن به موفقیت و آگاهی از فرصت‌هایی واقعی وابسته است که فرد در مقایسه با دیگران در اختیار دارد.
رحمان ۲۰۰۳	کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می‌باشد که از چندین متغیر متأثر می‌گردد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن، که به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کنند.
جکسون، ۲۰۰۵	میزان توانایی هر فرد جهت دنبال کردن اهداف و ارزش‌ها نشان دهنده میزان کیفیت زندگی آن فرد می‌باشد.
سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۵	کیفیت زندگی به معنای تندرستی افراد می‌باشد.
لطفی، ۱۳۸۸	کیفیت زندگی در برگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی چون (رضایت، شادمانی و امنیت) را در برمی‌گیرد و در برخی موارد رضایت اجتماعی نامیده می‌شود.

منبع: عناستانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶.

اتخاذ تصمیمات مختلف به منظور توسعه روستایی (در اینجا ارتقای کیفیت زندگی آنها) باید بر اساس منابع در دسترس جامعه، شرایط پیرامونی و داخلی منطقه و نیازهای ساکن آن مناطق هدف صورت گیرد. درجه‌ی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی مختلف، تفاوت‌های بارزی با یکدیگر دارند، که می‌تواند به یکی از این دلایل و یا ترکیبی از آنها باشد: ساختار طبیعی (توپوگرافی) محدوده مورد مطالعه، منابع آب و خاک، نحوه دسترسی به خدمات عمومی و سایر زیرساخت‌ها، فاصله دسترسی و کیفیت شبکه حمل و نقل، اندازه جمعیتی روستاها، کمبود فرصت‌های شغلی و درآمد اقتصادی، مشارکت بسیار پایین مردمی در امور توسعه روستایی و توجه ناچیز دولت به اقتصاد روستایی. به طور کلی، در بیشتر جوامع صنعتی و در حال توسعه، طرح موضوعی به نام کیفیت زندگی، نشان‌دهنده دیدگاهی نو در نگرش موضوعات توسعه‌ای است. هدف کیفیت زندگی در نواحی روستایی، تثبیت جمعیت خانوارهای روستایی و دسترسی عادلانه آنها به زمین و منابع در روستاهاست.

قلمرو تحقیق:

منطقه مورد مطالعه بخش سیمکان یکی از بخش‌های شهرستان جهرم در استان فارس دارای ۴۰ آبادی، ۳۷۴۱ خانوار و ۱۷۲۴۱ نفر جمعیت بوده و کشاورزی به عنوان مهم‌ترین فعالیت اقتصادی منطقه محسوب می‌شود. این بخش از سمت شمال به بخش خفر، از شرق به بخش مرکزی، از سمت غرب به شهرستان فیروزآباد و از سمت جنوب به شهرستان قیروقارزین محدود می‌گردد. مساحت آن ۹۴۲/۵ کیلومتر مربع و معادل ۱۶/۵ درصد از کل وسعت شهرستان جهرم را در بر می‌گیرد (بخشداری سیمکان، ۱۳۸۹). (شکل شماره ۱).



شکل ۱- نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

روش تحقیق:

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و نوع آن کاربردی- توسعه‌ای است. جامعه آماری شامل خانوارهای ساکن در تمام روستاها بوده و تعداد افراد روستاها بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد ۱۷۲۸۶ نفر می‌باشد. حجم نمونه با

جمعیت ۱۷۲۸۶ نفر، و $(t=1.96)$ ، $(d=0.05)$ ، $(p=0.5)$ ، $(q=0.5)$ ، تعداد ۳۷۵ نفر محاسبه شد که برای اطمینان تعداد ۴۰۰ پرسشنامه تکمیل گردید. نمونه‌گیری بر اساس طبقه‌بندی صورت گرفت و تعداد نمونه‌ها بر اساس سهم جمعیتی در هر روستا توزیع شد که پرسشگری از آن‌ها به صورت تصادفی به عمل آمده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS از روش‌های آماری توصیفی (جدول توزیع فراوانی) و آمار استنباطی همچون آزمون تی، آزمون (F) و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق شامل عوامل چهارگانه مؤثر بر کیفیت زندگی شامل ابعاد اقتصادی، ابعاد اجتماعی، ابعاد زیست محیطی و ابعاد کالبدی با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از خیلی خوب تا خیلی بد مورد بررسی قرار گرفت.

در تحقیق حاضر، جهت افزایش درجه اعتبار، از روش صوری استفاده شده است. بدین منظور، پرسشنامه بعد از تدوین در اختیار صاحب‌نظران، متخصصان و استادان قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم انجام شد. برای تعیین روایی این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. (جدول شماره ۲). در واقع آلفای کرونباخ نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به شمار می‌رود. در این تحقیق میزان آلفای محاسبه شده در ابعاد مختلف اعداد مطلوبی است و می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسشنامه به کار گرفته شده و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند.

جدول ۲- بررسی وضعیت پایایی متغیرهای تحقیق بر اساس آلفای کرونباخ

کالبدی		زیست محیطی	اجتماعی			اقتصادی	متغیر
۰/۶۶		۰/۸۱	۰/۶۸			۰/۶۹	آلفای کرونباخ متغیر
کیفیت زیرساخت‌ها	کیفیت محیط مسکونی	کیفیت محیطی	کیفیت اوقات فراغت	کیفیت سلامت و امنیت	کیفیت آموزش درآمد	کیفیت اشتغال و درآمد	
۰/۶۲	۰/۷۱	۰/۸۱	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۶۵	۰/۶۹	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

یافته‌های تحقیق:

تحلیل میزان رضایتمندی روستاییان از کیفیت زندگی در روستاها:

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به لحاظ میزان رضایتمندی، ابعاد اجتماعی، تعداد ۳۰ نفر خیلی بد، ۵۰ نفر بد، ۱۵۰ نفر متوسط، ۶۰ نفر خوب و ۱۱۰ نفر خیلی خوب توصیف کرده‌اند. یعنی حدود ۶۵ درصد روستاییان میزان رضایتمندی خود را به لحاظ بعد اجتماعی ابراز کرده‌اند. رضایت از ابعاد کالبدی در ذیل نشان داده شده است. ۱۰ درصد پاسخگویان به میزان خیلی بد، ۲۷/۵ درصد به میزان بد، ۳۰ درصد متوسط بیان کرده‌اند. در حالی که ۲۰ درصد خوب و ۱۲/۵ درصد خیلی خوب اظهار کرده‌اند. همچنین از پاسخگویان درباره کیفیت زندگی از ابعاد زیست محیطی سوال شد. تعداد ۳۰ نفر ابعاد کیفیت زیست محیطی را خیلی بد، ۱۰۰ نفر بد، ۱۵۰ نفر متوسط، ۵۰ نفر خوب و ۷۰ نفر خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند. رضایت از ابعاد اقتصادی سوال دیگری بود که از پاسخگویان درباره آن سؤال پرسیده شد. ۲۰ درصد وضعیت اقتصادی خود را خیلی بد توصیف کرده بودند. ۳۲/۵ درصد بد و ۲۰ درصد متوسط ارزیابی کرده بودند؛ در حالی که ۲۲/۵ درصد به میزان خوب و ۵ درصد خیلی خوب آن را بیان کرده‌اند. به طور کلی رضایت از کیفیت زندگی در بین پاسخگویان به شرح ذیل است. ۱۲/۵ درصد خیلی بد، ۲۰ درصد بد، ۳۲/۵ درصد متوسط و ۲۲/۵ درصد خوب و ۱۲/۵ درصد خیلی خوب آن را ارزیابی کرده‌اند. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب کیفیت زندگی

درصد	فراوانی	شرح	کیفیت زندگی
۱۲/۵	۵۰	خیلی بد	
۲۰	۸۰	بد	
۳۲/۵	۱۳۰	متوسط	
۲۲/۵	۹۰	خوب	
۱۲/۵	۵۰	خیلی خوب	
۱۰۰	۴۰۰	جمع	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

جدول شماره ۴ میانگین متغیرها را نشان می‌دهند. بیشترین میانگین در بعد اجتماعی با میانگین (۳/۴۲) می‌باشد. کمترین میانگین مربوط به بعد اقتصادی با ۲/۶ می‌باشد.

جدول ۴- میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
اجتماعی	۳/۴۲۵۰	۱/۲۲۳۹۸
کالبدی	۲/۹۷۵۰	۱/۱۷۳۸۱
زیست محیطی	۳/۰۷۵۰	۱/۱۷۱۶۷
اقتصادی	۲/۶۰۰۰	۱/۱۸۰۶۴
کیفیت زندگی	۳/۰۲۵۰	۱/۱۹۴۹۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

در ادامه تحقیق نتایج آزمون کای اسکووار نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری که در تمامی ابعاد کیفیت زندگی کمتر از (۰/۰۵) می‌باشد، تفاوت معنی‌داری بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- همبستگی کای اسکووار میان ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی

آزمون	اقتصادی	کالبدی	اجتماعی	زیست محیطی
<i>Chi-Square</i>	۷۷/۵۰۰	۶۲/۵۰۰	۱۲۰/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰
<i>df</i>	۴	۴	۴	۴
<i>Asymp. Sig.</i>	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

میزان اثرگذاری شاخص‌های زیست محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی بر کیفیت زندگی روستاییان: ابتدا رابطه متغیرهای چهارگانه (زیست محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی) با کیفیت زندگی در روستاها را با آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ سپس تأثیر آن‌ها را بر متغیر مستقل را با رگرسیون چند متغیره بررسی می‌کنیم. نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۰۱ بین ابعاد چهارگانه و کیفیت زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش کیفیت ابعاد چهارگانه، کیفیت زندگی در روستاهای مورد مطالعه افزایش می‌یابد. در تحقیق حاضر ابعاد زیست محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند؛ که سعی بر آن بوده تا رابطه آن‌ها را با متغیر وابسته در

این تحقیق سنجیده شود. اگر بخواهیم رابطه خطی موجود بین متغیرهای مستقل تحقیق را با متغیر وابسته مطالعه نماییم، از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده می‌کنیم در این روش به مطالعه تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته می‌پردازیم و به تبیین واریانس متغیر وابسته کمک می‌نمایند.

جدول ۶- همبستگی پیرسون میان کیفیت زندگی و ابعاد چهارگانه

آزمون	ابعاد کالبدی	ابعاد اجتماعی	ابعاد اقتصادی	ابعاد زیست محیطی	کیفیت زندگی
همبستگی پیرسون	۰/۸۵۸ (**)	۰/۶۹۵ (**)	۰/۸۲۴ (**)	۰/۶۶۱ (**)	
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
حجم نمونه	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	

همبستگی در سطح کمتر ۰/۰۱ معنادار است ** - منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

همانطور که در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۹۷۴ می‌باشد، که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{adj}) که برابر با ۰/۹۴۸ است، نشان می‌دهد که ۹۴/۸ درصد از کل تغییرات میزان کیفیت زندگی در بین پاسخگویان وابسته به ۴ متغیر مستقل ذکر شده می‌باشد. با توجه به معنی‌داری مقدار آزمون F (۱۸۰۸/۱۲۲) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۴ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مدل خوبی است و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند میزان کیفیت زندگی را تبیین کنند.

جدول ۷- مدل رگرسیون چند متغیره کیفیت زندگی

ضریب	مجدور ضریب	ضریب تعیین	خطای	آماره	سطح
تعیین	تعیین	تعدیل شده	استاندارد برآورد	F	معناداری
۰/۹۷۴	۰/۹۴۸	۰/۹۴۸	۰/۲۷۳۳۱	۱۸۰۸/۱۲۲	۰/۰۰۰

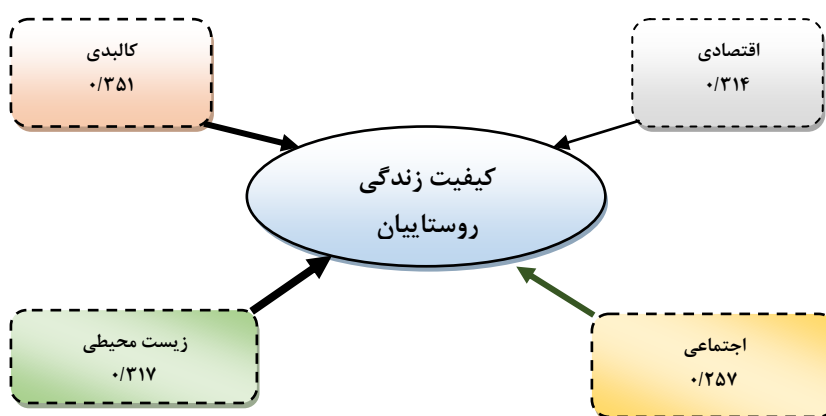
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

بر اساس داده‌های جدول ۸، تأثیر چهار متغیر زیست محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی بر میزان کیفیت زندگی معنی‌دار است. متغیرهای ابعاد کالبدی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۵۱ و ابعاد زیست محیطی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۱۷ بیشترین تأثیر را روی متغیر کیفیت زندگی دارند و متغیرهای ابعاد اقتصادی و ابعاد اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۴۱ و ۰/۲۵۷ در رتبه بعدی قرار دارند. در مورد روابط این متغیرها نتیجه را می‌توان بدین شکل تفسیر نمود که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر بعد کالبدی، میزان رضایت از کیفیت زندگی فرد ۰/۳۵۱ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت و افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر زیست محیطی ۰/۳۱۷ انحراف استاندارد افزایش میزان رضایت از کیفیت زندگی را بدنبال خواهد داشت. (شکل شماره ۲).

جدول ۸- میزان تأثیر ابعاد چهارگانه بر کیفیت زندگی

ابعاد مؤثر بر کیفیت زندگی	ضریب متغیر	ضریب بتا	T	معنی داری	نتیجه
اقتصادی	.۳۱۷	.۳۱۴	۱۹/۱۸۹	/۰۰۰	معنی دار است
کالبدی	.۳۵۸	.۳۵۱	۲۰/۰۳۱	/۰۰۰	معنی دار است
زیست محیطی	.۳۲۳	.۳۱۷	۲۴/۰۸۲	/۰۰۰	معنی دار است
اجتماعی	.۲۵۱	.۲۵۷	۱۷/۵۱۳	/۰۰۰	معنی دار است

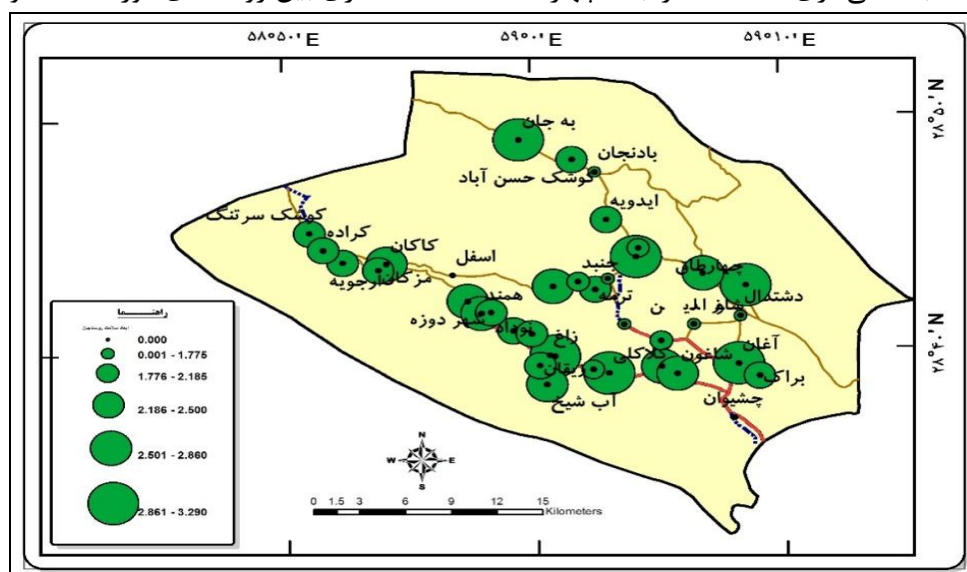
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.



شکل ۲- اهمیت نسبی ابعاد چهار گانه بر کیفیت زندگی روستاییان

تحلیل فضایی ابعاد کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه:

همانطور که در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود، میانگین ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی به ترتیب در بعد زیست-محیطی (۳/۱۷)، اقتصادی (۲/۶۷)، اجتماعی (۳/۴۶)، و کالبدی (۳/۱۲) می‌باشد. (شکل شماره ۳). اگر عدد سه را حد متوسط در نظر بگیریم بعد اقتصادی کمتر از حد متوسط می‌باشد. نتایج آزمون تی در جدول ۱۰ نیز نشان می‌دهد که با توجه به معنی‌داری (۰/۰۰۰) در ابعاد چهارگانه اختلاف معناداری بین روستاهای مورد مطالعه وجود دارد.



شکل ۳- ابعاد کیفیت زندگی در سطح روستاهای مورد مطالعه

جدول ۹- بررسی میانگین ابعاد کیفیت زندگی در روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	اجتماعی	کالبدی	زیست محیطی	اقتصادی	میانگین ابعاد
بهبان	۲/۹۲	۳/۳۴	۲/۸۶	۲/۹۷	۲/۵۲
بادمجان	۲/۱۲	۱/۸۷۵	۲/۲۵	۱/۶۲	۱/۹۶
کوشک حسن آباد	۳/۴۴	۲/۳۳	۲/۶۶	۱/۶۶	۲/۵۲
ایدویه	۳/۲۵	۳/۲۵	۳	۲/۲۵	۲/۹۳
جرمشت بالا	۳/۷۳	۳/۴	۳/۶	۳/۴	۳/۵۳
جرمشت پایین	۵	۴/۸	۴	۴	۴/۴۵
اسفنجان	۱/۸۷	۱/۵	۱/۸۷	۱/۳۷	۱/۶۵
ترمه	۳/۸	۲/۲	۲/۴	۱/۴	۲/۴۵
تیرافجان	۳	۲/۷۵	۳/۲۵	۲	۲/۷۵
جنبد	۳/۵	۳/۵	۳	۲	۳
کندیجان	۳/۵	۳/۱۶	۳	۲/۸۳	۳/۱۲
قم آباد	۳/۳۳	۳	۴/۳۳	۳	۳/۴۱
شاه نورالدین	۳	۴	۵	۳	۳/۷۵
دشتدال	۴	۳/۷۵	۳/۵	۴	۳/۸۱
چهارطاق	۴/۸	۴/۲	۳/۴	۴/۲	۴/۱۵
ده قانون	۳/۶۶	۳/۶۶	۳/۶۶	۳	۳/۵
آغان	۲/۷۶	۱/۹۲	۲/۲۳	۱/۴۶	۲/۰۹
براک	۳/۱۴	۳	۳/۱۴	۲/۲۸	۲/۸۹
کبه	۳/۳۳	۳/۳۳	۳/۳۳	۲/۶۶	۳/۱۶
شاغون	۳/۹۴	۳/۵۵	۳/۵	۳/۴۴	۳/۶۱
کلاکلی	۲/۹۳	۲/۲۵	۲/۵	۱/۶۲	۲/۳۲
چشوان	۳	۳	۳/۳۳	۲/۶۶	۳
محیطاب	۳/۷۵	۳/۲۵	۳	۲/۷۵	۳/۱۸
آبشیخ	۳/۵۷	۳/۴۲	۳/۸۵	۳/۵۷	۳/۶
زیغان	۴/۸۳	۴/۳۳	۳/۶۶	۴/۱۶	۴/۲۵
زاغ	۲/۳	۱/۹	۲/۲	۱/۷	۲/۰۲
گودزاغ	۳/۵	۲/۷	۲/۹	۱/۷	۲/۷
کوشکسار	۳/۷۸	۳/۴۷	۳/۴۳	۳/۳۰	۳/۵
دوزه	۳/۱۸	۲/۵	۲/۵۶	۱/۸۱	۲/۵۱
نوداد	۳/۵	۳/۱۲	۳/۵	۲/۸۷	۳/۲۵
همنده	۴/۳	۴	۳/۶	۴	۳/۹۷
اسفل	۲/۵۸	۲/۲۵	۲/۵	۱/۸۳	۲/۲۹
کاکون	۳/۳۳	۲/۷۵	۳	۲/۰۸	۲/۷۹
مزکان	۳/۸	۳/۴۲	۳/۴۲	۳/۲۳	۳/۴۷
کراده	۳/۱۷	۲/۵۲	۲/۵۸	۱/۸۸	۲/۵۴
آرجویه	۳/۵	۲/۹۷	۳/۰۲	۲/۵۸	۳/۰۲
کوشک سرتنگ	۳/۶۴	۳/۳۵	۳/۵۸	۳/۲۹	۳/۴۷
دولت آباد	۵	۴/۸	۴	۴	۴/۴۵
میانگین	۳/۴۶	۳/۱۲	۳/۱۷	۲/۶۷	۳/۰۹

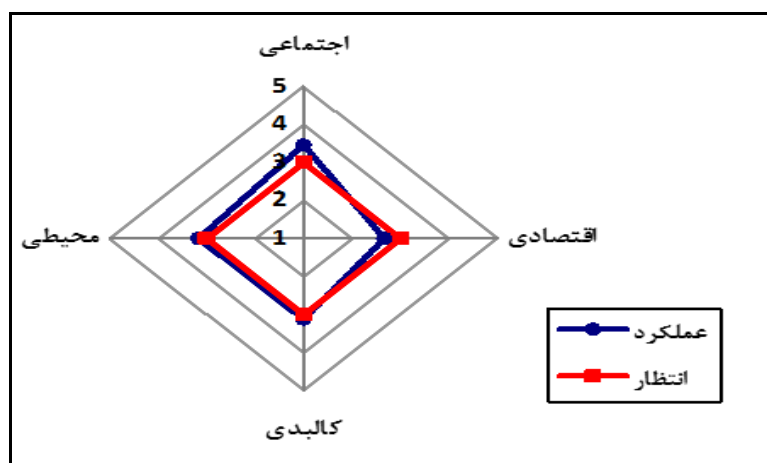
منبع: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۲.

جدول ۱۰- آزمون کیفیت زندگی با One-Sample T. Test

Test Value = 0						ابعاد سلامت
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	
Upper	Lower					
۰/۷۰۳۵	۰/۲۳۶۴	۰/۴۶۹۹	۰/۰۰۰	۳۷	۴/۰۷۷	کالبدی
۰/۳۷۸۷	-۰/۱۳۶۹	۰/۱۲۰۹	۰/۳۴۸	۳۷	/۹۵۰	اجتماعی
۰/۳۸۷۷	-۰/۰۳۴۹	۰/۱۷۶۴	۰/۰۹۹	۳۷	۱/۶۹۲	محیطی
-۰/۰۳۵۲	-۰/۶۱۳۸	-۰/۳۲۴۵	۰/۰۲۹	۳۷	-۲/۲۷۳	اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲.

به منظور بیان فاصله اختلاف عملکرد و انتظار از نمودار راداری یا عنکبوتی استفاده شده است. یک نمودار راداری با چندین چند ضلعی ضعف و قدرت مشاهدات را نسبت به هم مقایسه می‌کند. در شکل شماره ۴ عملکرد متغیرهای مورد مطالعه و اختلاف آن‌ها با عملکرد مورد انتظار قابل مشاهده است. همانطور که مشاهده می‌شود ابعاد چهار گانه مورد بررسی از حد متوسط کمتر هستند و تا رسیدن به عملکرد مورد انتظار فاصله‌ای زیادی دارند.



شکل ۴- میزان انتظار و عملکرد ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی

نتیجه‌گیری:

مفهوم کیفیت زندگی مفهوم جدیدی نیست و از قدیم الایام وجود داشته است و علوم مختلف، تعاریف گوناگونی از این مفهوم ارائه نموده‌اند. اما، به طور کلی کیفیت زندگی معیاری است برای فهم وضعیت و میزان رضایت شهروندان از برآورده شدن نیازهای مرتبط با ابعاد زندگیشان. در این پژوهش، کیفیت زندگی در نواحی روستایی بخش سیمکان شهرستان جهرم مورد تحلیل قرار گرفت. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت که با توجه به سطح معنی‌داری که در تمامی ابعاد کیفیت زندگی کمتر از (۰/۰۵) می‌باشد؛ تفاوت معنی‌داری بین فراوانی-های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار وجود دارد. همچنین رابطه متغیرهای چهارگانه (زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی) با کیفیت زندگی در روستاها نشان می‌دهد که بین ابعاد چهارگانه و کیفیت زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش کیفیت ابعاد چهارگانه، کیفیت زندگی در روستاهای مورد مطالعه افزایش می‌یابد. بعلاوه، مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۹۷۴ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه

متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{adj}) برابر با ۰/۹۴۸ می‌باشد؛ یعنی ۹۴/۸ درصد از کل تغییرات میزان کیفیت زندگی در بین پاسخگویان وابسته به ۴ متغیر مستقل ذکر شده می‌باشد. متغیرهای ابعاد کالبدی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۵۱ و ابعاد زیست محیطی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۱۷ بیشترین تأثیر را روی متغیر کیفیت زندگی دارند و متغیرهای ابعاد اقتصادی و ابعاد اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۲۵۷ و ۰/۳۴۱ در رتبه بعدی قرار دارند. در مورد روابط این متغیرها نتیجه را می‌توان بدین شکل تفسیر نمود که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر بعد کالبدی، میزان رضایت از کیفیت زندگی فرد ۰/۳۵۱ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت و افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر زیست محیطی ۰/۳۱۷ انحراف استاندارد افزایش میزان رضایت از کیفیت زندگی را بدنبال خواهد داشت. نتایج این تحقیق، با نتایج تحقیقات جیمز و همکاران (۲۰۰۳)، فرهادی و همکاران (۱۳۹۰)، علی‌زاده و دیگران (۱۳۹۲) و بارانی پسینانی و دیگران (۱۳۹۳) همخوانی دارد و آنها را تأیید می‌کند.

منابع و مأخذ:

۱. احمدوند، مصطفی؛ هدایتی‌نیا، سعید و خسرو عبدالهی (۱۳۹۱): «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی مناطق روستایی شهرستان بویراحمد»، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال اول، شماره دوم، مشهد، صص ۸۹-۱۱۲.
۲. استانداری فارس (۱۳۹۲): آخرین تقسیمات کشوری شهرستان جهرم، استانداری فارس، شیراز.
۳. اسمیت، دیوید. ام (۱۳۸۱): «کیفیت زندگی: رفاه انسانی و عدالت اجتماعی»، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و حکمت-شاهی اردبیلی، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۱۸۶-۱۸۵، تهران.
۴. اکبری‌ارونیزی، سعیدرضا؛ محمدپورجباری، مرتضی و فرخنده سپهوند (۱۳۹۲): «نقش شهرهای کوچک در بهبود کیفیت زندگی روستاهای پیرامون مطالعه موردی: بخش رونیز- شهرستان استهبان»، مجله پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۴، تهران، صص ۹۰۰-۸۸۱.
۵. بریمانی، فرامرز و عثمان بلوچی (۱۳۹۲): «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی با استفاده از سامانه‌های هوشمند (منطق فازی) (مطالعه موردی: دهستان مهبان شهرستان نیک شهر)»، مجله پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۳، تهران، صص ۶۱۳-۵۸۵.
۶. پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و احدالله فتاحی (۱۳۹۰): «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مورد مطالعه: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان)»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال ۷۶، شماره ۷۶، تهران، صص ۱۳-۳۱.
۷. جاجرمی، کاظم و ابراهیم کله (۱۳۸۵): «سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان مطالعه موردی: گنبد قابوس»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۴، شماره ۸، زاهدان، صص ۱۸-۵.
۸. حریرچی، امیرمحمود؛ میرزایی، خلیل و اعظم جهرمی (۱۳۸۸): «چگونگی وضعیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، تهران، صص ۱۱۰-۸۹.
۹. خوارزمی، شهیندخت (۱۳۸۳): کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران، روزنامه دنیای اقتصاد، تهران.
۱۰. رضوانی، محمدرضا؛ متکان، علی‌اکبر؛ منصوریان، حسین و محمدحسین ستاری (۱۳۸۸): «توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، اصفهان، صص ۱۱۰-۸۷.

۱۱. رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا؛ فتاحی، احداله و مجتبی حاجی‌پور (۱۳۹۰): «ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی؛ مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۲، تهران، صص ۹۴-۶۹.
۱۲. رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی و حمدا... سجاسی‌قیداری (۱۳۸۹) «سنجش و ارزیابی معیارهای مؤثر بر عملکرد کشاورزان عادی و موفق روستایی مطالعه موردی: روستاهای شهرستان خدابنده»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲، تهران، صص ۱۶-۱.
۱۳. ریاحی، وحید و اصغر پاشازاده (۱۳۹۱): «بررسی اثرات شهرک‌های صنعتی بر کیفیت زندگی ساکنان روستایی مطالعه موردی: شهرستان گرمی»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال اول، شماره ۲، مشهد، صص ۴۶-۲۹.
۱۴. شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر و محمود گنجی‌پور (۱۳۹۱): «سنجش میزان رضایتمندی ساکنان بافت قدیم شهر آران و بیدگل از شاخص‌های کیفیت زندگی»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره سیزدهم، اصفهان، صص ۱۴۴-۱۲۷.
۱۵. علی‌زاده، جابر؛ برقی، حمید؛ رحیمی، حمزه و علی افشاری‌پور (۱۳۹۲): «سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی با استفاده از تکنیک روش تشابه به گزینه ایده‌آل فازی مطالعه موردی: دهستان میانده- استان فارس»، مجله پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۳، تهران، صص ۶۴۰-۶۱۵.
۱۶. عنابستانی، علی‌اکبر و زهرا عنابستانی (۱۳۹۱): «تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: شهر جدید گلپه‌هار)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۴، تهران، صص ۳۴-۲۳.
۱۷. عنبری، موسی (۱۳۸۹): «بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران (۸۵-۱۳۶۵)»، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۲، تهران، صص ۱۸۱-۱۴۹.
۱۸. فرهادی، اکرم؛ فروغان، مهشید و فرحناز محمدی (۱۳۹۰): «کیفیت زندگی سالمندان روستایی: مطالعه موردی: شهرستان دشتی استان بوشهر»، مجله سالمندی ایران، سال ۶ شماره ۲۰، تهران، صص ۷۱-۴۸.
۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن - شهرستان چهارم، تهران: مرکز آمار ایران.
20. Baldwin, S., Godfrey, C., & Proper, C., (1992): *Quality of life: perspective and policies*, Routledge.
21. Biderman, A. D., (1974): *Social indicators*. In Clewett, Robert L. and Olson, Jerry C *Whence and Whither in Social Indicators and Marketing Chicago: American*
22. Bruggemann, B. R.; Garlipp, P.; Haltenhof, H. & Seidler, K. P. (2007): *Quality of life and social support as outcome characteristics of a psychiatric day hospital*, *German journal of psychiatry*, (10), 58-68.
23. Costanza, R. (2007): *Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being*, *Ecological Economics*, 61(1-2), 267-276.
24. Das, D., (2008): *Urban Quality of Life: A case study of Guwahati*, *Social Indicators Research*, 88.
25. Futa, W. & Ewuola, M.D., (2010): *Introduction to Rural Life*, Routledge.
26. Hayati, D.; Karami, E. and Slee, B. (2006): *Combining qualitative and quantitative methods in the measurement of rural poverty: The case of Iran*, *Social indicators research*. (75), 361-349.
27. McGillivray, M., (2007): *Human Well-Being, Concept and Measurement*, New York: Palgrave MacMillan.
28. Milbrath, L. W. (1978): *Indicators of Environmental Quality*. In *Indicators of Environmental Quality and Quality of Life*. UNESCO Reports and Papers in the Social Sciences, No. 38. Paris: UNESCO.

29. Pal, A.K. and Kumar, U.C,(2005) : *Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, India, Rural Development, Vol. xv, No.*
30. Schuessler, K. F., & Fisher, G. A. (1985): *Quality of life research and sociology. Annual Review of Sociology, 129-149.*
31. Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & De Hollander, A. (2003): *Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. Landscape and urban planning, 65(1), 5-18.*
32. Walker, J., Winkelstein, M., Land, C., Lewis-Boyer, L., Quartey, R., Pham, L., & Butz, A. (2008): *Factors that influence quality of life in rural children with asthma and their parents. Journal of Pediatric Health Care, 22(6), 343-350.*

